

مدیریت انقلابی و کارآمد ضرورتی برای حل مشکلات کشور

پیرس

- ۲..... مدل‌های جدید موفق در کشور.....
- ۲..... ۱- اشتغال دغدغه اصلی جوانان تحصیلکرده.....
- ۲..... ۲- ارزآوری از طریق فروش مواد غذایی به کشتی‌های اقیانوس پیما.....
- ۲..... ۳- دانش تولید لبنیات.....
- ۳..... ۴- فناوری سدسازی.....
- ۴..... ۵- فناوری ساخت فرودگاه.....
- ۴..... ۶- فناوری انتقال خطوط گاز.....
- ۵..... ۷- فناوری ساخت نفتکش و سکوهای نفتی.....
- ۵..... ۸- فناوری ساخت سازه‌های بتونی عظیم و حفر تونل.....
- ۵..... ۹- فناوری ساخت پالایشگاه.....
- ۵..... ۱۰- فناوری ایجاد پالایشگاههای تولید گاز.....
- ۶..... ۱۱- فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی.....
- ۶..... ۱۲- صنعت کشتی سازی.....
- ۷..... ۱۳- پیشرفت در علوم پزشکی.....
- ۷..... رقابت درونزا و برونزا.....
- ۸..... دیدگاه اول.....
- ۸..... دیدگاه دوم.....
- ۸..... ۱- هندوستان؛ نمونه دیگر در اقتصاد درونزا.....
- ۹..... ۲- تفاوت ایران با دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس.....
- ۹..... ۳- تبدیل نفت به بنزین.....
- ۹..... دلایل مخالفت غربی‌ها با ورود سرمایه، دانش فنی و فناوری به ایران.....
- ۱۰..... ۱- سرمایه‌گذاری.....
- ۱۰..... ۲- دانش فنی و فناوری.....
- ۱۱..... جمع‌بندی.....

مدیریت انقلابی و کارآمد ضرورتی برای حل مشکلات کشور

مقدمه

مبحث تأثیرگذاری بر آراء خاموش و قشر خاکستری جامعه که نزدیک به ۶۰ درصد از جمعیت رأی دهندگان را شامل می‌شود، از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا باید برای توده مردم و یا همان قشر خاکستری اینگونه به اثبات برسد که با همسویی دولت با نظام و سیاستهای کلان نظام می‌توان این موفقیت‌ها و خروجی‌ها را بدست آورد. بنابراین باید مباحث و مصادیقی مطرح شود که توده مردم بتوانند بهتر آن را لمس و درک کنند و با آن احساس همزاد پنداری داشته باشند.

ما با قشری مواجه هستیم که درکی همه جانبه و دقیق از مسائل مربوط به انقلاب اسلامی و حتی تصویری صحیح در مباحث امنیتی کلان کشور ندارد. بعنوان مثال وقتی به افرادی از این قشر گفته می‌شود؛ ایران کشور امنی است، حتی یک مورد انفجار از سوی تکفیری‌ها در ایران نداشته‌ایم، این مسئله را بعنوان دستاوردی مهم که مجموعه‌ای از اقدامات و تلاش‌ها برای تحقق آن صورت گرفته، تلقی نمی‌کنند.

در موردی دیگر وقتی گفته شود ناوگان آمریکا از سال ۱۹۸۷ وارد منطقه خلیج فارس شده، اما از زمانی که سیستم بومی جنگ نامتقارن از سوی نیروی دریایی ایران ایجاد شده، حتی یک مورد مزاحمت در سکوهای نفتی و منافع ایران بوجود نیامده، قشر خاکستری جامعه این مسئله را به خوبی متوجه می‌شود و آن را می‌پذیرد، اما سوال می‌کند که در حال حاضر نظام در حوزه رفاهی چه دستاوردی برای ما داشته است؟

در این رابطه مقام معظم رهبری نیز اشاره‌ای داشتند که؛ «اگر ما در مسائل اقتصادی مشکل داشته باشیم، دیگر مسائل هم پیشرفتی نخواهد داشت». نه اینکه دیگر مسائل مهم نباشد، بلکه مشکلات اقتصادی باعث شده تا دیگر دستاوردها به چشم نیاید یا با اهمیت تلقی شود. یعنی در کل باید گفت که کارآمدی نظام با اقتصاد و معیشت مردم گره خورده است.

لذا وقتی در این دوره نوع مدیریت کلان نظام در سطح ریاست جمهوری مطرح است که کارآمدی را تقویت کنند. باید مثال‌هایی زده شود و به هیچ جناحی ارتباطی نداشته باشد. نباید این توانمندی‌ها را مرتبط با دولت خاصی دانست، بلکه باید این توانمندی‌ها را به صورت بومی‌سازی شده از سوی نظام و تفکری که معرفی کرد.

بنابراین باید نمونه‌های مختلفی از مدل‌های اقتصادی موفقیت آمیز را در عرصه‌های گوناگون مورد توجه قرار داد تا مخاطبانی که با ذائقه‌های مختلف هستند، پوشش دهد. باید مثال‌هایی از کارآمدی نظام بدون توجه به دوره خدمت دولت‌ها مطرح شود که این کارآمدی‌ها و موفقیت‌ها نتیجه چه رفتارهایی بوده و ریشه مشترک آنها در چیست؟ پس از اینکه نقطه اشتراک موفقیت‌ها مشخص شد، کمبودهای سالیان اخیر بدست خواهد آمد و نتیجه این خواهد شد که در چهار سال آینده باید کسی بر سر کار بیاید که بتواند موفقیت‌های گذشته را ادامه دهد و کاستی‌های پیشین را نیز برطرف سازد. برای مثال به گوشه‌ای از این موفقیت‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده است اشاره می‌شود:

مدل‌های جدید موفق در کشور

۱- اشتغال دغدغه اصلی جوانان تحصیلکرده

نزدیک به ۳۷ درصد از مردم کشور در نظرسنجی‌ها مطرح کرده‌اند که اولویت اصلی کشور اشتغال جوانان است که این مسئله بالاترین درصد مطالبه را در میان جامعه به همراه داشته است. لذا باید مطرح شود که دولت بعدی برای حل مشکل اشتغال چه راهکارهایی باید ارائه دهد. تا به امروز نزدیک به ۷۰ درصد از جمعیت بیکار کشور را جوانان دارای تحصیلات عالی تشکیل می‌دهند. پس باید این افراد شغلی مناسب تحصیلاتشان داشته باشند. در حال حاضر نزدیک به ۳ میلیون نفر از اتباع افغانستان در کشور مشغول به کار هستند، اما این ۳ میلیون شغل را افراد لیسانس، فوق لیسانس و دکترا انجام نمی‌دهند، زیرا متناسب با تحصیلات آنها نیست و باید شغلی وجود داشته باشد که دانشجوی دکتری کشور با افتخار آن را انجام دهد که نمونه موفق آن در شرکت‌های ایرانی شرکت کننده در پروژه‌های گازی عسلویه وجود دارد و بخش اعظمی از آن توانایی، فناوری و سرمایه ایرانی بوده است.

در مقطع کوتاهی از دولت اصلاحات، از شرکت‌های خارجی دعوت به همکاری شد، اما پس از مدتی کوتاه آنها ایران را ترک کردند و نظام مجبور شد خودش و با توجه به نیروی داخلی و بومی، فازهای پارس جنوبی را افتتاح کند که در این امر قرارگاه خاتم به همراه برخی از شرکت‌ها وارد میدان شدند و تاکنون نزدیک به ۶۵ هزار نفر نیروی متخصص بومی در آنجا مشغول کار شده و سالی حدوداً ۴ میلیارد دلار ارزش افزوده تولید کرده‌اند. نکته قابل توجه این که دولت بعد با استفاده از همین مدل می‌تواند طبق محاسباتی که بعمل آمده در سواحل مکران صدها هزار شغل صنعتی با سرمایه، نیروی کار و دانش فنی ایرانی ایجاد کند. به جامعه باید انتقال داده شود که دولت بعدی می‌بایست برای فارغ التحصیلان دانشگاهی شغل متناسب تحصیلات دانشگاهی با درآمد بالا داشته باشد. لذا مدل عسلویه را می‌توان در سواحل مکران که تمام زیرساخت‌های آن نیز فراهم است بدون نیاز به سرمایه خارجی انجام داد و مشاغلی با درآمد صنعتی بالا ایجاد کرد.

۲- ارزیابی از طریق فروش مواد غذایی به کشتی‌های اقیانوس پیما

در سواحل جنوبی قشم اگر آب، میوه و سبزیجات به کشتی‌های اقیانوس پیمای گذری فروخته شود، ۱۰ هزار نفر شغل دلاری ایجاد خواهد شد و فارغ از نگرانی از هر نوع تحریمی جوانان آن مناطق خواهند توانست به شغل خود ادامه دهند و کسی مجبور نخواهد بود دست به قاچاق کالا بزند. وقتی یک کشتی از این منطقه گذر می‌کند نیاز دارد تا مواد غذایی خود را تهیه و بابت آن چندین هزار دلار به صورت نقد پرداخت کند و همان کاری که در جبل علی امارات صورت می‌گرفت در ایران نیز ادامه یابد. کشتی‌ها برای تأمین مایحتاج خود مجبور بودند تا راه خود را دور کنند و به سمت جبل علی حرکت نمایند در حالی که جبل علی آب آشامیدنی ندارد، اما به علت اینکه در قشم این شغل ایجاد نشده آنها پیش‌دستی نموده و این اشتغال را در منطقه خود ایجاد کردند. در صورتی که قشم در ورودی خلیج فارس و تنگه هرمز است و اگر نیازهای کشتی‌ها عرضه شود آنها زودتر به مقصد خود خواهند رسید.

۳- دانش تولید لبنیات

در گذشته و بخصوص در دوران ۸ سال دفاع مقدس، یکی از نقاط ضعف کشور موضوع تأمین مواد غذایی بخصوص در بخش لبنیات بوده است.

لبنیات یکی از اجزاء چهارگانه اصلی تأمین غذایی جامعه می‌باشد و اگر کمبود آن بر سر سفره‌های مردم احساس شود، آسیب‌هایی را متوجه جامعه خواهد ساخت. به همین منظور و برای جلوگیری از این بحران، در ابتدای دهه هفتاد، وزارت جهاد کشاورزی، متولی بر طرف کردن این نقیصه از طریق استفاده از سرمایه، امکانات و توانایی‌های صرفاً داخلی شد و تلاش می‌کرد تا در این امر نگاهی به خارج نداشته و از آنجا فناوری و تکنولوژی را وارد نسازد. لذا با همین الگو، خودکفایی در تولید لبنیات با محوریت شیر و پنیر در قالب کارگاهها و مراکز تولیدی در ابعاد بومی و محلی آغاز شد و مدلی برخلاف مدل‌های رایج توسعه، شکل گرفت.

مدل رایج توسعه معتقد بود که باید برای ایجاد یک دامداری صنعتی ۱۰۰ مکان ۲۰ هزار رأسی ایجاد و برای این منظور از گاوهای هولشتاین استفاده شود. حتی سرویس آنها نیز در اختیار متصدیان هلندی قرار گیرد و لوازم آن هم از هلند وارد شود. همچنین در کنار این دامداری‌ها ۲۰ کارخانه تولید پنیر نیز ایجاد و لوازم آن هم از آلمان وارد شود. در این حالت خواهد بود که مشکل لبنیات برطرف خواهد شد.

در حالی که آن زمان وزارت جهاد کشاورزی بر این باور بود که ایران نه سرمایه آن را دارد و نه به فکر وارد کردن لوازم تولید لبنیات از خارج است. لذا تصمیم دارد در کشور بیش از ۵۰۰ واحد دامداری ۵ تا ۱۰ رأسی کوچک و بدون هیچ سرمایه و فناوری خارجی ایجاد و حتی کارخانه‌های کوچک تولیدی پنیر را هم در کنار آنها احداث کند.

همین تصمیم باعث شد تا ایران در یک بازه ۱۰ ساله از لحاظ تولید لبنیات در کشور خودکفا شود، نیازی به وارد کردن لبنیات از خارج نداشته و تا به امروز هم این خودکفایی در صنعت لبنیات ادامه داشته باشد. از آن زمان تا بحال نیز تورم و تحریم‌ها نتوانسته است تأثیر زیادی بر قیمت لبنیات بگذارد و هیچ موقع باعث نشده پنیر و لبنیات کمیاب شود و ناگهان از نظر قیمتی رشد زیادی داشته باشد، به طوری که از نظر مردم دیگر کالای مهمی به حساب نمی‌آید، زیرا فراوان در جامعه یافت می‌شود. نکته مهم اینکه تولید شیر در کشور از مصرف آن بالاتر است، اما چون که مسئولین نمی‌توانند این تولید را ساماندهی کنند تولیدکنندگان متضرر می‌شوند و باعث شده که به مرور زمان از این ۵۰۰ تولیدکننده بومی نزدیک به نصف آن ورشکست شوند، اما باز هم همان تولیدکنندگان فعال باقیمانده در عرصه تولید، باعث شدند تا این خودکفایی ادامه داشته باشد.

لذا این موفقیت بر اساس نگرشی ایجاد شد که معتقد بود، می‌توان بر اساس توانمندی، سرمایه و فناوری بومی حرکت کرد و به جای اینکه ۵ کارخانه فول اتوماتیک احداث شود ۵۰۰ کارخانه بومی و محلی وجود داشته باشد.

۴- فناوری سدسازی

سد سازی یکی از فناوری‌های خاصی است که خیلی از کشورهای دنیا به این فناوری دست پیدا نکرده‌اند. در دهه ۷۰ سیاستی به نام «مهار آب» شروع به فعالیت کرد و آیا اینکه این سیاست به لحاظ زیست محیطی صحیح بوده یا نه، موضوع این بحث نیست و به آن نمی‌پردازیم. اما از اینکه صنعت سدسازی به بخش بومی سپرده شد باید مورد توجه قرار گیرد. بخشی از این صنعت به قرارگاه خاتم و سپاسد سپرده شد و به سرعت ساخت سدهای کرخه و... شروع شد و فناوری‌های بومی را ایجاد کردند.

در ابتدا و در آن زمان سد سازی ایران به گونه‌ای بود که در هیچ نقطه‌ای از جهان این مدل سد سازی انجام نمی‌شد. زیرا کشورهای خارجی علم و فناوری ایجاد یک سد را به ایران نمی‌دادند. بنابراین آنها تصمیم گرفتند با همین امکانات اندکی که در اختیار دارند شروع به سد سازی کنند.

این تفکر باعث شد تا علاوه بر خودکفایی در صنعت سد سازی، دیگر کشورها نیز اقدام به ساخت سد کنند. اگر این صنعت از سوی مسئولان مور توجه واقع شود، بستری برای اشتغال در زمینه‌های فنی و مهندسی ایجاد خواهد شد.

۵- فناوری ساخت فرودگاه

بعد از پیروزی انقلاب، نظام اسلامی توانست بیش از ۷۰ فرودگاه را در کشور احداث کند که همه آنها نیز با فناوری‌های داخلی و بومی ایجاد شد. این فناوری هم به نوبه خود از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است، زیرا برای احداث فرودگاه لازم است تخصص‌های مختلفی دست به دست هم‌دیگر دهند. علمی مانند؛ مهندسی سازه، خاک و پی، مهندسی الکترونیک بخصوص برای برج مراقبت و... این فناوری به گونه‌ای در کشور شکوفا شد که در حال حاضر خیلی از فرودگاه‌های کشورهای توسط ایرانی‌ها ساخته می‌شود. بعنوان مثال؛ مهمترین و حساس‌ترین قسمت‌های فرودگاه نجف توسط متخصصین ایرانی ساخته شده است.

بنابراین ۷۰ مورد فرودگاهی که توسط متخصصین ایرانی ساخته شد، وابستگی چندانی به فناوری‌ها و سرمایه‌های خارجی نداشته است. اما در مواردی در همین زمینه هم دست نیاز به شرکت‌های خارجی دراز شده، چرا که دولت وقت بر این باور بود که باید فناوری‌های غیربومی وارد شود.

۶- فناوری انتقال خطوط گاز

می‌توان به جرأت این ادعا را داشت که ایران در حال حاضر تنها کشوری است که بیش از ۹۵ درصد از مناطق تحت حاکمیت خود را گاز رسانی کرده است. در این حالت ممکن است برخی از روستاهای زیر ۵۰ خانوار تمایلی برای گازرسانی نداشته باشند و یا اینکه صرفه اقتصادی نداشته باشد. اما هر جایی که تمایل وجود داشته گازرسانی اتفاق افتاده است. در واقع می‌توان اینگونه مطرح کرد که گازرسانی ارزانتترین مدل انرژی در دسترس است. لذا این مورد هم از فناوری‌های بومی است که هیچ شرکت خارجی در آن دخیل نبوده است. باید به این نکته هم اشاره کرد که بعضی از دولت‌ها برای گازرسانی از فناوری خارجی استفاده کردند، در حالی که این فناوری در داخل وجود داشت و نیازی به وارد کردن فناوری بیرونی نبود.

برای اینکه گاز از عسلویه به تهران پمپاژ شود ۱۱۳ ایستگاه تقویت فشار وجود داشت که با توربین‌های بزرگی گاز را پمپاژ می‌کردند تا به تهران برسد، این توربین‌ها از شرکت زیمنس آلمان تهیه شده بود و در مقطعی از سال ۱۳۹۰ که تحریم‌ها شدت یافت، دولت وقت نگران بود قطعاتی که برای انتقال گاز از شرکت زیمنس وارد کرده با مشکل مواجه شود. به همین منظور جوانان ایرانی تصمیم گرفتند تا این توربین‌ها را در داخل بسازند. بعد از مدت کوتاهی این کار اتفاق افتاد و به قیمت نصف شرکت زیمنس آلمان ساخته شد. اما شرکت گاز ایران در آن مقطع این تولید را نپذیرفت و مطرح می‌کرد که محصول ایرانی دارای ضمانت‌نامه نیست و اگر نصب شود و کارایی لازم را نداشت و باعث شد تا گاز تهران قطع شود کسی پاسخگو نخواهد بود. پس از مدتی که تحریم‌ها آغاز شد، شرکت زیمنس ایران را تحریم کرد و باعث شد تا همان تولیدات داخلی نصب گردد و تا همان مدت زمان سه ماهه‌ای که دستگاه‌های زیمنس فعالیت می‌کردند به کار خود و بدون هیچ عیب و ایرادی ادامه دهند.

در آن زمان و در موقع انعقاد قرارداد، مدیرعامل تولید کننده توربین‌های ایرانی به مسئولین شرکت گاز مطرح نمود که حتماً باید زور پشت سر ایران باشد تا به محصولات داخلی ایمان پیدا کنید؟ در حالی که این جوانان با سختی توانستند این توربین‌ها را تولید کنند و سه سال است آنها را معطل نگه داشته‌اید.

مسئله مهم دیگری که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد این است که خط انتقال گاز در بدترین شرایط محیطی برای استانهایی مانند کردستان و سیستان و بلوچستان توسط قرارگاه خاتم کشیده شد. یعنی سایر مناطق توسط شرکت‌های عادی و مناطق ناامن و مسئله‌دار از لحاظ آب، هوا و امنیت توسط قرارگاه خاتم گازرسانی می‌شد.

۷- فناوری ساخت نفتکش و سکوی نفتی

تا به امروز ایران تولید نفتکش هم داشته است. این در حالی است که ایران می‌توانست بیش از این تعداد تولید داشته باشد، اما بعضی از مسئولین اجازه ندادند و مدام از تولیدات خارجی استفاده می‌کردند. تا اینکه اولین نفتکش تولید شد و دومی آن هم به سرانجام رسید، به تازگی شرکت نفت اعلام می‌کند؛ آیا می‌توان در داخل هم نفتکش ساخت؟! در حالی که متخصصین داخلی به مدت ۱۵ سال به هر شیوه‌ای اعلام می‌کنند که ما در داخل می‌توانیم بسازیم، اما شرکت نفت اعتنایی نمی‌کند.

همچنین در موضوع اجاره سکوی نفتی، ایران باید به ازای هر اسکله روزانه ۱۰۰ هزار دلار اجاره پرداخت می‌کرد و ممکن بود این سکوها برای ۳ سال اجاره می‌شدند تا آنها را در مکانی مستقر کنند. اما بعد از اینکه نتیجه‌ای بدست نمی‌آوردند، مجبور بودند هزینه گزافی بابت اجاره این سکوها بپردازند. این خسارت‌ها در شرایطی اتفاق می‌افتاد که شرایط تولید آن در داخل وجود داشت، اما اجازه تولید آن به داخلی‌ها داده نمی‌شد. هم‌اکنون ایران به جمع سازندگان سکو در جهان تبدیل شده و تاکنون تعدادی سکو را برای برخی کشورها ساخته و صادر کرده است.

۸- فناوری ساخت سازه‌های بتونی عظیم و حفر تونل

ایران در فناوری ساخت تونل‌ها، سیستم‌های ترافیکی پیشرفته، خیابان‌های دو طبقه و حتی پل‌های طبقاتی به مرحله‌ای رسیده است که به راحتی می‌تواند هر پروژه‌ای را به سرانجام برساند.

۹- فناوری ساخت پالایشگاه

در سال ۹۰ چینی‌ها زیرساخت‌هایی را جهت احداث پالایشگاه ستاره نفت خلیج فارس انجام دادند و قرار بر این بود که از این پالایشگاه از گاز بنزین تولید شود. خط لوله از حدود ۴۰۰ کیلومتری عسلویه آغاز شد و تا بندرعباس ادامه پیدا کرد اما زمانی که تحریم‌ها ایجاد شد چینی‌ها این پروژه را رها کردند. بعد از این ماجرا قرارگاه خاتم الانبیا وارد میدان شد و خیلی گسترده تر از طرح اولیه این پروژه را طراحی کردند. قرارگاه در سال ۹۲ پروژه را تحویل گرفت و در حال حاضر پالایشگاه ستاره نفت خلیج فارس بزرگترین پالایشگاه استحصال بنزین از گاز در جهان را به نام خود ثبت کرد و روزانه ۳۷ میلیون لیتر بنزین تولید می‌کند. این در حالی است که تولید بنزین از نفت در ۸ استان کشور نزدیک به ۳۸ میلیون لیتر در روز است، اما ستاره نفت خلیج فارس از راه تولید بنزین از توانسته است روزانه ۳۶ میلیون لیتر بنزین یورو ۴ و ۵، ۱۴ میلیون لیتر گازوئیل و ۳ تا ۴ میلیون لیتر بنزین جت تولید کند. در حال حاضر در این پروژه نزدیک به ۱۵ هزار نفر مستقیماً و نزدیک ۱۵ هزار نفر هم غیر مستقیم مشغول به کار هستند که این نمونه می‌تواند یک نمونه موفق و با تکیه بر استعدادهای داخلی باشد.

۱۰- فناوری ایجاد پالایشگاههای تولید گاز

در مورد فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی نیز باید مطالبی ارائه شود تا مشخص شود به چه صورتی به بهره برداری رسیده اند و چگونه توانمندی داخلی باعث شده تا این پروژه‌ها به سرانجام برسد؟ فازهای ۱۵ و ۱۶ ایرانی ترین فازهای پارس جنوبی هستند که طی ۲ الی ۳ سال متخصصین ایرانی توانستند این فازها را به بهره‌برداری برسانند. در حالی که این فازها بزرگترین فازهای پارس جنوبی بشمار می‌آیند.

اگر در بحران گازی میان ایران و ترکمنستان فازهای ۱۵ و ۱۶ نبودند یقیناً ایران با مشکل مواجه می‌شد و علاوه بر اینکه نمی‌توانست گاز شمال را تأمین کند، گاز قسمتی از تهران نیز قطع می‌شد. این فازها به قدری برای ایران مهم بود که سهم ایران را با قطر در برداشت گاز از این مناطق مساوی کرد و این در شرایطی بود که به هیچ عنوان شرکت های خارجی به تعهدات خود عمل نکردند و این پروژه کاملاً ایرانی به بهره‌برداری رسید. باز همین نگاه متکی به استعدادها و ظرفیت‌های داخلی فازهای ۱۷ و ۱۸ را نیز به مرحله نهایی رساند و در روزهای گذشته رسماً افتتاح شد.

شرکت گاز ۱۵ سال پیش قراردادی با شرکت فرانسوی توتال بست و از آنها خواست که از حوزه مشترک گازی با قطر استفاده کنند. همزمان شرکت توتال در حوزه گازی قطر هم قراردادی با قطری‌ها داشت و از آن طرف هم گاز استحصال می‌کرد. بنابراین توتال از حوزه‌ای استخراج گاز را شروع کرد که حوزه اختصاصی ایران بود و به جای اینکه از حوزه مشترک عملیات استخراج گاز انجام شود از حوزه اختصاصی ایران این کار صورت گرفت. ۳ سال بعد وقتی توتال به تعهدات خود عمل نکرد و پروژه را رها کرد. متخصصین ایرانی کار را بدست گرفتند و وقتی نقشه‌های محل استخراج گازها را مشاهده کردند متوجه شدند شرکت توتال کاملاً فریبکارانه عمل کرده است. حال سوال این است، چرا شرکت توتال دست به چنین اقدامی زد؟ به این علت که اگر از حوزه مشترک برداشت صورت می‌گرفت فشار استخراج گاز از طرف قطر کاهش پیدا می‌کرد. بنابراین باید در سپردن پروژه‌ها به دست خارجی‌ها دقت لازم را داشت تا این مشکلات دوباره برای کشور ایجاد نشود. در حالی که متخصصان ایرانی از عهده این کار بر آمدند و توانستند سهم ایران و قطر را از میدان مشترک گازی بعد از سالهای متمادی به نقطه مساوی برسانند.

۱۱- فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی

ایران در حوزه فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی نزدیک به ۲۰ سال است خودکفا شده و هیچ نیازی به خارج از کشور ندارد. از طرفی تحریم‌ها هم نتوانسته جلوی گسترش شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ایران را بگیرد و به طور مستمر به تعداد آنها افزوده می‌شود. بعنوان مثال صدا و سیما برای اینکه بتواند به اهدافی که مدنظرش است دست پیدا کند، قرار دادهایی را با دانشگاه‌های خواجه نصیر الدین طوسی، شریف و... می‌بندد و پروژه‌هایی را به آنها واگذار می‌کند. در نتیجه پس از تحقیقاتی که اساتید دانشگاهها و دانشجویان انجام می‌دهند پروژه‌ها را تکمیل کرده و به صدا و سیما ارائه می‌دهند. با این شیوه هم صدا و سیما بودجه بسیار پایینی جهت رسیدن به اهداف خود هزینه کرده و هم به دانش بومی روی آورده است و متخصصین داخلی توانسته‌اند از عهده این کارها برآیند.

۱۲- صنعت کشتی سازی

شرکت کشتی‌سازی صدرا در مقطعی دچار ورشکستگی شدیدی شد و کارگران این شرکت روزی نبود که در مقابل استانداری بوشهر تحصن نکنند. مشکلات این شرکت آنقدر افزایش پیدا کرد به طوری که ۱۰ هزار نفر کارگر مشغول به کار در این شرکت تعدادشان به ۳۰۰ نفر رسید و اکثر آنها اخراج شدند. بعد از ورشکستگی این شرکت، قرارگاه خاتم این شرکت

ورشکسته را تحویل گرفت و با روحیه انقلابی که در بین مدیران آن وجود داشت توانستند دوباره آن را احیاء کند و همه کارگران اخراجی دوباره مشغول به کار شدند. در حال حاضر این شرکت هر تعداد سکو و کشتی سفارشی را می‌تواند با تکیه بر توان داخلی بسازد و برای ساخت هر کشتی نیز نزدیک به ۱۵۰۰ نفر شغل ایجاد شده است. اما در همین اواخر وقتی دولت یازدهم قرار داد ساخت ۸ کشتی را با کره جنوبی منعقد کرد، برای آنها بسیار سخت بود که بپذیرند دولت با وجود توان داخلی، ساخت کشتی را به کره جنوبی سپرده است، در حالی که نمونه کارهای این شرکت برای کشورهای ونزوئلا و دیگر کشورها وجود داشت و نظر مثبت آن کشورها را نیز جلب کرده بود، اما باز هم دولت با کره جنوبی قرار داد بست. دلیل دولت هم این بود که این قرارداد مربوط به دولت قبلی است در حالی که بعد از اجرای تحریم‌ها، کره‌ای‌ها به تعهد خود عمل نکرده و یکطرفه قرارداد را نقض کردند. ولی دوباره در دوره اخیر کره‌ای‌ها مذاکراتی را با دولت صورت دادند و موفق شدند این امتیاز بزرگ را نصیب خود کنند.

۱۳- پیشرفت در علوم پزشکی

امام در گذشته فرموده بود؛ اگر کسی در ایران مریض می‌شد باید به مریض خانه‌های لندن مراجعه می‌کرد. در حالی که الان اگر کسی مشکل قلبی داشته باشد لازم نیست به لندن برود. قبل از پیروزی انقلاب نزدیک به ۶ هزار پزشک هندی، پاکستانی و بنگلادشی در ایران مشغول به طبابت بودند. اما در حال حاضر سالانه ۲۳ تا ۲۵ هزار بیمار خارجی از کشورهای حاشیه خلیج فارس وارد ایران می‌شوند و درآمد دلاری خوبی برای ایران به حساب می‌آید. اما باید این مورد را با احتیاط مطرح کرد چون توزیع پزشک و خدمات در کشور یکسان نیست. مثلاً تعداد چشم پزشک در کشور به اندازه کافی وجود دارد، اما هیچ پزشک متخصصی حاضر نیست به ایلام برود و بیشتر آنها در تهران متمرکز شده‌اند. باید اینگونه مطرح شود که در گذشته و به فرموده امام راحل برای معالجه باید به خارج از کشور مراجعه می‌کردیم اما در حال حاضر از خارج برای معالجه وارد ایران می‌شوند.

بنابراین اگر قرار باشد از این نمونه‌ها مثال‌های دیگری زده شود، بسیار زیاد هستند و همگی این موفقیت‌ها از یک نقطه مشترکی برخوردارند که آن هم «اتکا به نیروی متخصص، سرمایه، فناوری و دانش فنی ایرانی» است. در این عرصه‌ها شرایط به گونه‌ای برای کشور عادی شده است که دیگر هیچ فشار و تهدیدی ایران را مورد حمله قرار نمی‌دهد و اصلاً توجهی به آنها نمی‌شود. یعنی تابحال کشور با بحران‌هایی مانند بحران گاز، فرودگاه، سدسازی و پالایشگاه سازی مواجه نشده است. لذا دولت مطلوب برای آینده دولتی است که حل مشکلات کشور را با این مدل موفق انجام دهد. یعنی برنامه دولت آینده می‌بایست بر این اساس باشد که برای مشکلات اساسی، معیشتی و... کارهایی را صورت دهد و آن چیزی که به زندگی، رفاه و سامان مردم مرتبط است توجه داشته و از این طریق به امکانات داخلی، توانمندی داخلی، دانش فنی، سرمایه و نیروی متخصص داخلی باور داشته باشد.

این مسائل در حالی مطرح می‌شود که در ۴ سال گذشته تمام توجه دولت به جلب سرمایه‌گذاری خارجی، خرید فناوری‌ها و دانش فنی خارجی و واگذاری کار به شرکت‌های خارجی بوده است. اما بعد از چهار سال با مشکل مواجه شده و به بن بست رسیده است. پس باید راهکار دولت آینده این باشد که از مشکلات و موفقیت‌های گذشته درس و الگو بگیرد و در عرصه‌های دیگر نیز به همین شیوه عمل کند.

رقابت درونزا و برونزا

در حال حاضر رقابت در کشور بر اساس راست و چپ یا اصلاح طلب و اصولگرا نیست. بلکه در کشور دو جناح فکری در حال شکل‌گیری است:

دیدگاه اول: کسانی هستند که معتقدند باید کشور را با تولید نفت اداره کرد. بدون در دسر نفت فروخته شود و به ازای آن خارجی‌ها برای کشور کالا تولید کنند و با واردات نیازهای کشور تأمین شود. اگر پول نفت هم نداشتیم و کم آوردیم به آنها اعلام خواهیم کرد که در ایران سرمایه‌گذاری کنند، لذا این مشکل هم با سرمایه آنها حل خواهد شد.

دیدگاه دوم: این دیدگاه معتقد است که برای رسیدن به رفاه، امنیت، ثروت، اشتغال و... باید به سمت تقویت توان داخلی حرکت کرد. همانطور که همه کشورهای که توانسته‌اند به سطحی از رفاه و پیشرفت برسند نگاه به درون و ظرفیت‌های داخلی داشته‌اند. مثال بارز این مورد آمریکا است. آمریکا توانست بر اساس توانمندی‌های بومی به یک قدرت جهانی تبدیل شود و تا بحال هم ادامه داده است. آمریکا بر خلاف قوانین WTO مطرح کرد که اگر قرار باشد فولاد را از خارج وارد کنند، تعرفه آن را تا ۱۰۰۰ برابر افزایش خواهد داد تا فولاد خارجی وارد آمریکا نشود و کارخانه‌های آمریکایی بتوانند به تولید خود ادامه دهند. بنابراین می‌توان شاخص‌ترین مدل اقتدار بر اساس توانایی‌های داخلی و بومی را خود آمریکا معرفی کرد.

بعد از جنگ جهانی دوم، آلمان، آمریکایی‌ها را به مدت ۱/۵ سال محاصره کامل دریایی کرد، اما برای آمریکا هیچ مشکلی ایجاد نشد، به این علت که توسعه آنجا درونزا بود و اگر ۳۵ سال دیگر نیز این محاصره ادامه پیدا می‌کرد باز هم هیچ مشکلی برای اقتصاد آمریکا رخ نمی‌داد. جالب اینکه در شروع جنگ جهانی دوم نرخ بیکاری آمریکا ۹٪ بود و بعد از اینکه یکسال وارد جنگ شد نرخ بیکاری کاهش پیدا کرد و به ۷٪ رسید و نشان داد که با ورود به جنگ و محاصره توسط آلمان اقتصاد آمریکا تضعیف نخواهد شد بلکه بهتر هم شد. لذا اولین جایی که مدل اقتصاد مقاومتی مبتنی بر سرمایه و فناوری بومی اجرا شد، در آمریکا بود که نتیجه آن را هم گرفت.

مدل دوم معتقد است که باید تلاش و سختی کشید تا به توسعه درونزا دست پیدا کرد. لذا در حال حاضر رقابت بین این دو دیدگاه است. یعنی دیدگاهی که معتقد است باید نفت فروخته شود تا به رفاه رسید و دیدگاهی که معتقد است باید تلاش صورت گیرد و ثروت و رفاه را درونزا کنیم و دیگر فشارها و محدودیت‌های اقتصادی نخواهد توانست رفاه و آسایش را از کشور بگیرد و آرامش بر کشور حکمفرما خواهد بود.

۱- هندوستان؛ نمونه دیگر در اقتصاد درون‌زا

زمانی که هندوستان در صنایع فضایی سرمایه‌گذاری کرد مخالفان این طرح فشار وارد ساختند که در حال حاضر کشور هند ۶۰۰ میلیون گرسنه دارد؛ چرا در صنایع فضایی سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد؟! دولت هند در پاسخ این جواب گفت؛ برای مقابله با این گرسنگی باید در زمینه صنایع فضایی سرمایه‌گذاری کرد، چون با کاشت برنج نمی‌توان ۶۰۰ میلیون گرسنه را سیر کرد، لذا باید درآمدی بیشتر از کاشت برنج داشته باشیم. به همین منظور در حال حاضر هندی‌ها به نقطه‌ای رسیده‌اند که با پرتاب یک موشک ۱۹ ماهواره به فضا فرستاده که تمام این ۱۹ ماهواره غیر هندی بوده و برای ارسال هر کدام از این ماهواره‌ها ۳ تا ۲ میلیون دلار درآمد کسب کرده است. نکته جالب اینکه هندی‌ها به گونه‌ای این خدمات را اعلام کردند که شرکت‌های آلمانی و آمریکایی ترجیح داده‌اند برای پرتاب ماهواره‌های خود به هند مراجعه کنند. لذا هند با به دست آوردن هزینه پرتاب یک موشک هزینه سالانه هزاران گرسنه را تهیه کرده و اگر می‌خواست تمام زمین‌های هند را برنج بکار

چنین درآمدی بدست نمی‌آورد. بنابراین بعضی از دیدگاههایی که معتقدند باید به سمت فناوری‌های هسته‌ای و فضایی حرکت کرد به این علت است که مطرح می‌کنند نمی‌توان درآمد جمعیت ۸۰ میلیونی ایران را از طریق چند محصول کشاورزی و خام فروشی نفت تأمین کرد و باید به سمت صنایع فضایی پیش رفت، چون درآمد آن اصلاً قابل مقایسه با صنایع خودرو سازی نیست. اما دولت مستقر چندین سال است که این صنایع را متوقف ساخته، در حالی که متخصصین وزارت دفاع آماده پرتاب موشک به فضا بودند اما دولت برای اینکه مذاکرات هسته‌ای مورد خدشه واقع نشوند از آن جلوگیری کردند، با وجود اینکه هیچ ارتباطی به مذاکرات نداشت.

در حال حاضر نیز متخصصین ایرانی به نقطه ای رسیده‌اند که کیسول انسانی جهت پرتاب به فضا را ساخته‌اند. اما دولت این سازمان را زیر مجموعه وزارت علوم قرار داد و بیش از ۸۰ متخصص آن را اخراج کرد. دولت فقط به این علت که این صنایع برای مردم نان و آب نمی‌شود، صنایع فضایی ایران را تعطیل کرد. در حالی که نمونه های جهانی معتقدند باید معیشت مردم را از این طریق ها تأمین کرد.

۲- تفاوت ایران با دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس

یکی دیگر از دلایلی که باعث می‌شود نگاه مدیران کشور بیشتر به درون باشد تا به بیرون تفاوت‌هایی است که ایران نسبت به کشورهای خلیج فارس دارد. تفاوت ایران با قطر در این است که قطر ۸۰ برابر ایران درآمد فروش گاز دارد. زیرا جمعیت قطر ۱ میلیون ۲۰۰ هزار نفر است، اما جمعیت ایران ۸۰ میلیون نفر می‌باشد. به همین علت قطری‌ها با فروش گاز می‌توانند وضعیت اقتصادی بهتری داشته باشند.

همچنین اماراتی‌ها متوسط روزانه ۱/۵ میلیون بشکه فروش نفت دارند که ایران هم به همین مقدار است، اما آنها به غیر از اتباع خارجی ۳ میلیون جمعیت دارند و به خوبی می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند، عربستان سعودی نیز ۱۰ میلیون بشکه فروش نفت دارد و ۲۵ میلیون جمعیت، اما ایران با جمعیت ۸۰ میلیونی فقط حداکثر ۱/۵ میلیون بشکه نفت می‌تواند بفروش برساند. بنابراین ایران چاره‌ای ندارد جز اینکه بخش‌های تولیدی و درآمدزای غیر نفتی در کشور را فعال کند.

۳- تبدیل نفت به بنزین

کشورهای اطراف ایران مانند؛ افغانستان، پاکستان، ترکیه، اقلیم کردستان و عراق به علت اینکه مصرف‌کننده بنزین هستند می‌توانند بازار تضمینی خوبی برای فروش بنزینی باشند که از نفت فرآوری شده است. مشکل الان دولت این است که نفت فروخته می‌شود اما پول آن به کشور برگردانده نمی‌شود. برای حل بخشی از این مشکل می‌توان نفت به بنزین تبدیل و سپس به مرز نشین‌ها داده شود تا به کشورهای همسایه بفروشند. تابحال مرز نشینان سوخت را قاچاق می‌کردند، اما از این به بعد می‌توانند آن را به صورت قانونی به دیگر کشورها بفروشند. بنابراین هم مرز نشین‌ها شغل ثابت و خوبی بدست می‌آورند و هم بنزینی که از طریق مرز نشینان فروخته می‌شود چهار برابر فروش نفت برای ایران سود خواهد داشت. زیرا فروش هر بشکه بنزین ۴ برابر نفت خام درآمد دارد. همچنین در پالایشگاهها نیز شغل ایجاد می‌شود و دیگر بخشی از مشکلات ناشی از تحریم بازگشت پول به کشور برطرف خواهد شد.

دلایل مخالفت غربی‌ها با ورود سرمایه، دانش فنی و فناوری به ایران

غربی‌ها هیچ‌گاه امکان جذب سرمایه، جذب دانش فنی و جذب فناوری از خارج کشور را به ایران نخواهند داد. یعنی در زمینه فناوری‌های بالا «های تک»، در زمینه دانش فنی فرمول ساخت و در زمینه سرمایه هم پول را در اختیار ایران قرار نخواهند داد. به این دلیل که:

۱- سرمایه‌گذاری

زیرا سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری خود تعریف مشخصی دارد و معتقد است که سرمایه باید در امنیت باشد و امنیت سرمایه را معمولا در ضریب سه دهه محاسبه می‌کنند. یعنی سرمایه‌گذار وقتی در یک کشوری سرمایه‌گذاری می‌کند، باید بتواند ثبات اقتصادی آن جامعه را تا سه دهه پیش‌بینی کند تا ضریب ریسک به حداقل برسد که بتواند در آن کشور سرمایه‌گذاری کند. بر اساس این تعریف کشورهای مشمول این سرمایه‌گذاری می‌شوند که یا خیلی بزرگ و یا عضو دائم شورای امنیت هستند، مانند؛ روسیه و چین که از چنین امتیازی استفاده کنند و یا تحت الحمایه باشند، مانند؛ ویتنام و تایلند که عضو آسه آن هستند و آمریکا هم رهبری آن را به عهده دارد. به همین دلیل است که در ویتنام سرمایه‌گذاری می‌کنند، چون ویتنام عضو آسه آن و آمریکا لیدر آسه آن به حساب می‌آید و اگر مشکلی هم بوجود آمد آمریکا آن را مدیریت خواهد کرد. به این علت هیچ سرمایه‌داری در ایران سرمایه‌گذاری نخواهد کرد فارغ از اینکه رئیس‌جمهور آن چه کسی باشد. زیرا سرمایه‌گذار در کشوری که در سال نزدیک به ۳۰۰ مرتبه تغییر تعرفه داشته باشد سرمایه‌گذاری نخواهد کرد، زیرا در ذهن او این کشور ثبات اداری، سیاسی، اقتصادی و امنیتی ندارد.

۲- دانش فنی و فناوری

کشور ایران در موضوع دانش و با توجه به جمعیت، نیروی کار، جغرافیا و عمق استراتژیک از استعداد خوبی برخوردار است. یعنی اگر فرانسه آخرین مدل از خودرو رنو خود را در ایران به فروش برساند و همچنین دانش فنی و ابزار آلات مورد نیازش را هم بدهد ایران می‌تواند رقیب اصلی فرانسه شود. چون در ایران دستمزد، زمین، انرژی و نیروی کار ارزانه‌تری نسبت به فرانسه است و می‌تواند با آن دانش فنی و ابزار آلاتی که خریده است رقیب اصلی رنو بشود و نمونه‌ای بهتر از شرکت رنو تولید کند. بنابراین هیچ شرکت دارای دانش و فناوری، به ایران داشته‌های علمی خود را ارائه نمی‌دهد و همیشه سعی می‌کند دانشی را به ایران وارد کند که از کورس رقابت خارج شده است. پژوهی فرانسه زمانی ابزار آلات و دانش فنی پژوهی را به ایران داد که پژوهی ۴۰۵ نزدیک به ۵ سال از رده اروپا خارج شده بود و دیگر امکان تولید نداشت. اگر ایران بهترین خودروهایی پژوهی را هم تولید کند دیگر رقیبی برای فرانسه بشمار نخواهد آمد. لذا این موارد بخش‌هایی است که اگر روابط خارجی ایران هم در سطح عالی قرار بگیرد و حتی برجام و بعد از آن را هم بپذیریم هیچ وقت دانش خود را در اختیار ایران قرار نخواهند داد تا ایران برای آنها تبدیل به یک رقیب اصلی شود.

بعنوان مثال؛ فرح پهلوی در خاطرات خود به صراحت به این موضوع اشاره دارد که محمدرضا پهلوی حدود چند سال با آمریکا و انگلیس صحبت کرد تا بتواند یک کارخانه ذوب آهن و فولاد در ایران داشته باشد اما آنها نپذیرفتند و گفتند ایران نیاز ندارد و هر وقت نیاز داشت ما به او خواهیم فروخت. لذا همیشه شاه این حسرت را داشت که اگر ایران کارخانه ذوب آهن و فولاد را با فناوری اروپایی می‌داشت، می‌توانست تبدیل به یک قدرت شود اما آنها به همین علت به ایران مجوز تأسیس کارخانه ذوب آهن و فولاد را ندادند. با اینکه رابطه ایران در آن زمان با اروپا و آمریکا بسیار خوب و عالی بود اما شاه مجبور شد از شوروی این فناوری را وارد کند که شوروی هم فناوری دهه ۴۰ میلادی را به شاه داد. او در خاطراتش می‌گوید؛ وقتی

ما کارخانه ذوب آهن را احداث کردیم، قیمت آهن ملی گران تر از قیمت جهانی بود و با آهن تولیدی در جهان اصلاً قابل رقابت نبود.

به همین علت جلب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوریهای خارجی در مورد کشوری مانند ایران همراه با مشکلاتی خواهد بود. در مقابل به سنگاپور و هنگ کنگ کمک می‌کنند تا قطب اقتصادی شرق آسیا شوند، به این علت که سنگاپور و هنگ کنگ یک نقطه هستند و نمی‌تواند برای آنها رقیب بشمار آید. حتی آمریکایی‌ها در قالب مهار شوروی به ژاپن نیز کمک کردند زیرا ژاپن نه مواد اولیه و نه انرژی داشت و آمریکایی‌ها مطمئن بودند ژاپن نمی‌تواند رقیب آمریکا شود، چون هم مواد اولیه و هم انرژی داشت.

اما در مورد ایران این مسئله متفاوت است. ایران هم مواد اولیه، هم انرژی، هم مساحت و هم ظرفیت داخلی داشت، چون ایران ۸۰ میلیون جمعیت دارد که همه می‌خواهند زندگی خوبی داشته باشند و از نظر مالی تأمین باشند. لذا حتی اگر رابطه ایران مانند زمان قبل از انقلاب با غربی‌ها بسیار حسنه باشد باز هم آنها به ایران فناوری‌های خود را انتقال نخواهند داد زیرا آنها به هیچ وجه نمی‌خواهند برای خود رقیب قدرتمندی مانند ایران ایجاد کنند. حتی در ۵۳ سال زمان پهلوی هم یک مورد سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران وجود نداشته است در حالی که در آن زمان رابطه با اروپا و غرب عالی بود.

در اقتصاد جهانی نقشی که برای کشورهایی مانند ایران تعریف کرده‌اند این است که ایران باید فقط تولید کننده مواد خام، فروشنده آن و بازار مصرف به علت جمعیت بالا باشد. حتی در اقتصاد جهانی ایران را مانند یک کشور نیمه صنعتی مانند ترکیه تعریف نکرده‌اند.

جمع‌بندی

آنچه که می‌توان بعنوان جمع‌بندی این بحث ارائه کرد این است که همه زمینه‌های طبیعی، جغرافیایی و انسانی برای اینکه ایران بتواند مسیر پیشرفت را ادامه دهد و رفاه قابل قبول را برای مردم خود ایجاد نماید کاملاً مهیاست. ما در این متن با ذکر برخی از مصداق‌های واقعی نشان دادیم که در هر زمینه و موضوعی که نظام اسلامی اراده کرده است، توانسته مشکلی را برطرف سازد و فرصت‌های اقتصادی و معیشتی را برای مردم بوجود آورد. با بررسی عرصه‌هایی که کشور توانسته در آن حوزه‌ها توفیقاتی را کسب کند، به این نکته مهم می‌رسیم که عامل پیش‌برنده کشور در موضوع اقتصاد وجود یک تفکر مبتنی بر توسعه درون‌زاست و دیگر اینکه مدیرانی با روحیه و اعتماد به نفس و انگیزه انقلابی در وسط میدان مهیای کار و تلاش بوده‌اند. بنابراین در حال حاضر که کشور در حوزه اقتصاد و معیشت و بخصوص در بخش تولید و اشتغال با چالش‌هایی مواجه است؛ اولاً نیاز به استقرار تفکری در مجموعه دولت و حاکمیت داریم که با همه وجود معتقد به حمایت از ظرفیت‌های ملی و بومی در بخش اقتصاد باشد و به توان و استعداد هوش و درایت ایرانی باور داشته باشد. همچنین یکی از حلقه‌های مفقود مشکلات اقتصادی کشور در طی سال‌های گذشته، کم‌توجهی به حضور مدیران کارآمد و پرتحرک و انقلابی بوده است. حال که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم، زمان مناسبی است تا به تفکر معتقد به ظرفیت‌های داخلی فرصت ظهور و بروز بدهیم و نیز توجه به مدیریت پرتحرک و کارآمد یکی از معیارهای مناسب و لازم برای انتخاب فرد اصلاح باشد.